

ابتدا نفری یک برگه کوچک که در گوشه آن یک کلمه نوشته شده را از طرف سفید به شرکت کنندگان می دهیم. (کلمات: درخت کاج، کتاب های علمی-تخیلی، گلدان شمعدانی، زباله، درخت خشکیده و ...) ابتدا از شرکت کنندگان بخواهید بر روی برگه (طرف سفید) پنج صفت بارز و شاخص کسی را که در زندگی شان بیشترین ارتباط را با او دارند، بنویسند.

سپس بخواهید برگه را برگردانند و کلمه پشت آن را بخوانند. (بلند بخوانند که همه متوجه بشوند.) حالا تصور کنید که ۶ ماه در این شرایط زندگی کردید. (هر روز دو ساعت کتاب های علمی-تخیلی می خوانید. از یک گلدان شمعدانی نگهداری میکنید. در شرایطی زندگی می کنید که اطرافتان مقدار زیادی زباله است. هر روز دو ساعت کنار یک درخت خشکیده کار می کنید و ...) (دقت کنید جملات و مثال ها از کلمات شرکت کنندگان باشد.) بنویسید بعد از ۶ ماه ممکن است چه ویژگی را در شما به وجود آورد. فکر کنید و بنویسید. (و بعد بخواهید ویژگی را بخوانند و علت را کوتاه بیان کنند.)

داستان از آن جا شروع شد که یکی از دوستانم روی پایان نامه اش کار می کرد، باید پرونده های جنایی مختلفی را بررسی می کرد. بعد از مطالعه تعداد زیادی از این پرونده ها، متوجه موضوع بسیار قابل توجه ای شد؛ درصد زیادی از افرادی که مرتکب خلاف های عجیب شده بودند، سابقه ی کیفری نداشتند! نقطه ی مشترکشان فقط یک چیز بود: یک همنشین بد! یک دوست نادرست که مسیرشان را تغییر داده و باعث شده بود تصمیمات اشتباهی بگیرند. یک انتخاب ساده که نتیجه اش، نابودی زندگی شان شده بود.

تاثیر و اهمیت همنشین مسئله ایست که بسیار تحقیقات مختلفی انجام شده و از قدیم الایام در مورد آن صحبت می شده. در ادبیات کهن ما ایرانی ها نیز بسیار زیبا بیان شده است. سعدی در یکی از شعرهای معروفش از گلی خوشبو می گوید که به دستش می رسد. وقتی از آن گل می پرسد که چطور چنین بوی دل انگیزی دارد، پاسخ می شنود: من فقط یک گل ناچیز بودم، اما مدتی در کنار گل های خوشبو ماندم و بوی آن ها را به خود گرفتم.

گلی خوشبوی در حمام، روزی --- رسید از دست محبوبی به دستم --- بدو گفتم که مشکي يا عبیری --- که از بوی دلاویز تو مستم بگفتا من گلی ناچیز بودم --- ولیکن مدتی با گل نشستم --- کمال همنشین در من اثر کرد --- وگرنه من همان خاکم که هستم سعدی

یه جورایی همنشینی، او را متحول کرده بود.

علم روانشناسی هم دقیقا همین را می گوید: ما میانگین پنج نفری هستیم که بیشترین ارتباط را با آن ها داریم. اگر اطرافیان ما مثبت، موفق و رو به رشد باشند، ما هم به همان سمت کشیده می شویم. اما اگر در کنار افراد ناامید، بی هدف یا منفی باشیم، بدون اینکه بفهمیم، همان مسیر را طی خواهیم کرد. مثلا در زمان خواستگاری و قبل ازدواج، یکی از توصیه ها اینکه بررسی کنید طرف مقابلتون با چه کسانی مراد و داره و در چه شرایطی زندگی می کنه.

خالق این سرزمین هم بسیار ما رو به این مسئله تذکر و توجه میده. خداوند می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، با صادقان باشید.»^۱ انتخاب همنشین راستگو و درستکار، یک توصیه ی الهی است. این آدم رو انتخاب کن که با اون باشی. با اون زندگی کنی. در مقابل، از زبان کسی که اشتباه کرده و پشیمان شده، می گوید: «ای وای! کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودم. او مرا گمراه کرد.»^۲ این یعنی یک انتخاب اشتباه، می تواند مسیر زندگی را تغییر دهد، آن هم به شکلی که شاید دیگر قابل جبران نباشد. بنابراین فردی که با افراد نیکویی هم نشین میشه پیش خدا جایگاه خاصی خواهد داشت.

^۱ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ

^۲ - يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا * لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا

حالا از خودت بپرس، می خوام جدا هر کس در وجود خودش، برای خودش این سوالات رو جواب بده.

در زندگی خود با چه افرادی در ارتباط هستیم ؟

نزدیکان و دوستانت چه طرز فکری دارند؟

چه باورهایی دارند؟

هدف هایشان در زندگی چیست؟

چه چیزهایی برای آنها ارزش محسوب می شود؟

پاسخ این سوال‌ها، مسیر تو را — مسیر من را — مشخص می‌کند. اگر در کنار افرادی باشم که مثبت‌اندیش اند، من هم موفق و رو به رشد خواهم بود. اما اگر اطرافیانم منفی‌نگر، بی‌هدف و ناامید باشند، احتمال زیادی وجود دارد که من هم مثل آن‌ها شوم، حتی اگر در ابتدا فکر کنم که تحت تأثیر قرار نمی‌گیرم. مطمئناً افرادی هم که با همنشین‌های اشتباه به مسیرهای اشتباه رفتند هم در ابتدا فکر نمی‌کردند اتفاق بدی بیوفتد.

اما اثر همنشینی فقط فیزیکی نیست. ممکن است کسی را هیچ‌وقت از نزدیک ندیده باشی، اما آن‌قدر طرز فکر، منش و روش زندگی‌اش را دنبال کنی که شبیه او شوی. مثل خیلی از فیلسوفان، جامعه‌شناسان، روانشناسان و ... که وقتی بررسی‌شون می‌کنند در معرفی اولیه می‌گن مثلاً خیلی تحت تأثیر فلسفه کانت بود. یا مثلاً پیرو مارکس بود. انگار در همین تعریف اولیه می‌خوان کلیت نگاه و مدل آن شخص را مشخص کنند. همین تعریف کوتاه، اصل و مغز مطلب را نشان می‌دهد. تاریخ پر از چنین مثال‌هایی است. اویس قرنی، کسی که عاشق پیامبر بود، اما هیچ‌وقت موفق نشد ایشان را از نزدیک ببیند. با این حال، پیامبر درباره‌اش گفت: «من بوی بهشت را از یمن استشمام می‌کنم.» یعنی اویس آن‌قدر در عشق و باور خود به پیامبر غرق شده بود. به این سبک زندگی کرده بود که هم بوی پیامبر شده بود. بوی بهشت می‌داد.

یکی دیگر از نمونه‌های زیبا در تاریخ، حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) است. او کسی بود که از عمق جان، امام رضا (علیه‌السلام) را دوست داشت و به امامتش ایمان داشت که باعث شد مسیر طولانی مدینه تا ایران را به امید دیدار امام زمان و برادر خود طی کند. اما نکته‌ی جالب این است که شباهت حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها به امام رضا علیه‌السلام فقط در محبت نبود. رفتار، منش، و حتی جایگاه علمی او آن‌قدر به برادرش نزدیک بود که بسیاری از مردم، او را پناهگاه علمی و معنوی خود می‌دانستند. و این تأثیر همنشینی است!

آن‌قدر این شباهت عمیق بود که امام رضا علیه‌السلام درباره‌ی ایشان فرمودند: "کسی که خواهرم را در قم زیارت کند، مرا زیارت کرده است." که آنقدر خواهرم عطر و بوی مرا دارد که حتی شما را شفاعت میکند و به بهشت میکشاند. یعنی حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها نه فقط از نظر روحی و اخلاقی، بلکه در مقام و جایگاه، آن‌قدر به امام نزدیک بود که زیارت او، همچون زیارت امام رضا علیه‌السلام شمرده شد.

این قدرت همنشینی را نشان می‌دهد. همنشینی فقط در کنار هم بودن نیست. گاهی حتی بدون حضور فیزیکی، می‌توان در اندیشه و رفتار، آن‌قدر تحت تأثیر قرار گرفت که شبیه شد.

امروز اینجا هستیم تا بگوییم که چنین فرصتی هنوز برای ما وجود دارد! امام زمان عجل الله فرجه بهترین و کامل ترین انسان روی زمین است. امام زمان از همان صادقینی هستند که خداوند از ما می خواهد با آن ها هم نشین بشیم و خوی و بوی آن ها را بگیریم. و این همان راه و روشی هستش که حضرت معصومه به بهترین شکل در زندگیش پیش گرفت و خداوند او را خاص و برگزیده کرد.

هر کدام ما در طول زندگی در شرایط و موقعیت های مختلف با افراد متفاوتی هم نشین میشیم. از دوران کودکی و بازی در پارک و محله و مهد و ... و بعد دوران مهم مدرسه که هم نشین های ما بسیار بر شکل گیری رفتار و منش ما تاثیر دارند. همان طور که همون اول نوشتید یک گل یا یک درخت و.. می توانند بر روحیه و منش من اثر بزارند. آدم ها به مراتب بیشتر مهم و اثرگذار خواهند بود. از یک زمانی همه ما تجربه ها مختلفی می بینیم یا می خونیم که چه بسیار گرگ هایی که در لباس میش وارد زندگی فردی میشن و با او هم نشینی می کنند. غافل از اینکه برای خودش یا موقعیتش دندان هایش را تیز کرده. اگر خدایی نکرده هر کدام شما این رو دیده باشید بسیار به اهمیت حرف من پی می برید. می خوام بگم امام زمان، حضرت مهدی علیه السلام، نه تنها بهترین هم نشین هستند بلکه اگر من ارتباط و هم نشینی با ایشان رو دائما حفظ کنم. خود ایشوم حواسشون به دیگر هم نشین های من هست. اگر گرگی وارد زندگی من بشه. به نحوی من را آگاه می کنند و هشدار میدند.

خاطره شخصی: من بسیار این رو تجربه کردم. چون امروز روز دختر هستش این رو تعریف می کنم که خواستگاری داشتم که به نظرم خیلی همه چی خوب بود. با این حال من بسیار در همون رفت و آمد آشنایی با امام زمان صحبت می کردم. حتی گاهی اینجوری می گفتم که شما هم بیان پیش ما بشینید و کمک کنید. خلاصه بگم با تمام تمایلات من اون ماجرا بهم خورد و خیلی برام سخت بود. ولی به لطف خدا و امام زمان به من نشون دادند که چه مشکلات سخت و عجیبی در آن خانواده بود که مسلما اگر ازدواجی صورت می گرفت با شکست مواجهه می شد. (لطفا سعی کنید خاطره ای تعریف کنید که خودتان تجربه کردید.)

یه جورایی همه ما به خصوص در دنیای امروز نیاز به هم نشینی و مراقبت امام زمان داریم. و این منم که باید مراقب این همراهی و حفظ هم نشینیم با یگانه روزگارم، حضرت مهدی علیه السلام باشم.

حالا چطور می توان با امام زمان، حضرت مهدی علیه السلام هم نشین شد؟ امامی که در همین کرده زمین و بین ما مردم زندگی می کنند. برای اینکه این نزدیکی را به ما نشان دهند. می گویند در بازارهای ما راه می روند، بر فرش شما قدم میزارن.

اگر پیامبری در همسایگی شما باشد چه می کنید برای همین بود. برای هم نشینی و شاد کردن دل او همان کارهایی را میتوانیم بکنیم که برای آن پیامبری که در همسایگی ما بود میکردیم

هر روز به او سلام میکردیم. (صبح که از خواب بیدار میشید، همان طور که به اعضای خانواده سلام می کنید سلامی هم به امام زمان بکن. بگو سلام امام زمان یا السلام علیک یا صاحب الزمان.) انگار همون اول صبح میرم مشینم کنار امام زمان. و سعی کنم در طول روز به ایشان حرف بزنم. از دغدغه ها و روزمرگی هام تعریف کنم. با یک هم نشین مگه غیر از این رفتار می کنند؟!

می تونم از ایشان بخونم و بیشتر بشناسمشون تا بتونم مرادهم رو بیشتر و عمیق تر کنم. مثلا از آن جایی که امام، پدر همه ما هستند اگر می تونستم برای کسی کاری انجام بدم، حتما در وجود و نیتم با امام زمان حرف می زنم که می دونم فرزند شماست. سعی می کنم تمام توانم رو بزارم. حالا یه وقت به یک نفر مالی کمک می کنم. یه وقت زمانی رو بهش اختصاص میدم. یه وقت کتابی رو امانت میدم و... که یک لبخند و شاد کردن دل فرزند، موجب نزدیکی و شادی دل پدرش خواهد شد. و این نزدیکی و هم نشینی بیشتر با آنی است که بهترین روزگار است و اثر این هم نشینی میشه همان دعای اصیل و درست مادر بزرگ ها که الهی عاقبت بخیر بشی.

الهی همگی لذت زندگی و هم نشینی با امام زمان را بچشید و لذت ببرید و عاقبت بخیر بشید.

حالا دوباره برگرد به سوال اول: پنج صفت بارز کسانی که بیشترین ارتباط را با آنها داری چیست؟ اگر این صفات را دوست نداری، شاید وقتش رسیده که در انتخاب همنشین‌های خودت تجدیدنظر کنی.